



xalvat.com

۳۶۱

غلامحسین صدیقی : " مفتاح... جاسوس انگلیس
در دولت مصدق "

بررسی های تاریخی

دفتر تهران قلبک صندوق پستی ۳۹۸ کد ۱۹۴۱۵

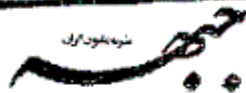
قیمت

آمریکا	۱/۵ دلار
انگلستان	۶۰ پینس
فرانسه	۶ فرانک
آلمان	۲ مارک

نشر خارج کشور از طرفداران نهفت ملی ایران

ویبن
Pezzdansse
1170 Vein
Austria **xalvat.com**

دکتر علامه حسین صدیقی



P O Box 198, London SW17 0NH

این عمر لعنتی کیست

آقای سرهنگ غلامرضا نجابتی، نویسنده کتاب (جنبش ملی شدن نفت و کودتای ۲۸ مرداد) طی نامه ای چنین اطلاع می دهند:

موضوع شناسایی هویت یکی از معاونان وزارت خاله ها که در زمان حکومت مرحوم دکتر مصدق خیر مذاکرات هیئت وزیران را به نمایندگی جاسوسی ایستلیجنس سرویس اطلاع می داده است و در کتاب عملیات چکمه از دکتر جمشید منگجو نام برده اند در تحقیقاتی که بنده در این زمینه به عمل آورده اینطور تشخیص دادم و مطلعین نیز همین گمان را دارند که این شخص عبدالحسین مفتاح معاون وزارت امور خارجه بوده است.

بنابراین دانیز این تصور آقای نجابتی و مطلعین دیگر مقرون به حقیقت می نماید و اتهام دکتر مفتاح را تضعیف می کند زیرا نامبرده در هنگامی معاون وزارت خاله بوده است که مبارزه ملت ایران با دولت انگلیس به مراحل حاد خود نرسیده بود و نتایج معاونی که می توانسته است در هیئت دولت شرکت کند قاعدتاً می تواند آقای عبدالحسین مفتاح بوده باشد که به علت بیماری دکتر حسین فاطمی (به مناسبت سوء قصد فدائیان اسلام) شانس شرکت در هیئت دولت را پیدا کرده بودند. اشفاقه بر آن آقای مفتاح هم چون دکتر منگجو به ارتباط با انگلیسی ها شهرت داشتند و اکنون نیز با انتشار کتاب خاطرات خود زیر عنوان آوازه سنی بی رنگ است این سر سبزگی را با جعل تاریخ مجدد نمودند تا کجند فراداده اند.



عبدالحسین مفتاح

یک بررسی کوتاه و تاریخی در باره روابط ایران و عراق در پنجاه ساله اخیر و جاسوس انگلیس در دولت مصدق

دکتر صدیقی:

از دوران فتحعلیشاه تا کنون دولت ایران حالت تجار و زبه همسایه غربی خود را نداشته و هر چه کرده در موضع دفاعی بوده است.

عبدالحسین مفتاح فرزند داود مفتاح السلطنه با سخنان پریشیده و گزاف که وصف سبکی آن در و راه تقریر است در سن نود سالگی حقیقت رازشست و دروغ رازیامی سازد.

اعمال مولف نامی و سیاستمدار سامی را جسته و گریخته نوشته اند و باز هم خواهند نوشت. ای بسا پارگی هست که رفو نتوان کرد.

منشاء فکر ضعیف آقای مفتاح این است که او خود را بی پروا محیط علم و فضل دانسته و مرجع قول سلوینی مادون العرش می شمرد

آرایش وزمی سرداران ۲۸ مرداد در صفحه هشتم

نامه دکتر مصدق در باره مفتاح

در صفحه نهم



xalvat.com

عبدالحسین مفتاح

۲۸ مرداد، ضد کودتای ۲۵ مرداد بود

به قلم کسی که خود دستی در کار داشته است

کودتای شب ۲۵ مرداد دکتر فاطمی با اشغال کاخ سعدآباد و ممهور کردن درهای آن انجام داد و جنبش مردمی ۲۸ مرداد در واقع ضد کودتای ۲۵ مرداد بود.

شرح عملیات چکمه (آجکس)
از خاطرات سی. ام. وودهاوس
یک مقام بلند پایه انگلیسی
ترجمه: نظام الدین دربندی



آقای مفتاح در کیهان سلطنت طلبان لندن شماره ۱۴۲ مورخ ۲۹ مرداد ۱۳۶۶ از کودتا دفاع میکند مثل کریمت روزولت.



برای افتتاح مطلب مقدماتی عین نوشته وود هاوس را از ترجمه آقای نظام الدین دربندی در اینجا نقل می کنیم :

اسرار کودتای ۲۸ مرداد

چنانچه بطور منظم و دقیق اطلاعات لازم درباره چریانات داخلی دولت مصدق به دست ما برسد ما قادر خواهیم بود به طور مؤثرتری در جهت منافع مشترک دو کشورمان اقدام کنیم. گرچه استدلالش خیلی پیچیده بود، اما درباره ارزش اطلاعاتی که در طی ماههای آینده در اختیار ما گذاشت تردیدی وجود نداشت. به دلایل امنیتی ما نام مستعار «عمر» را بر او گذاردیم.

وزیر مافوق «عمر» از پخت خوب ما، چندی قبل استعفا داده و کسی هم به جانشینی او تعیین نشده بود. بنابراین عمر شخصاً به نمایندگی از سازمان مربوطه در هیئت دولت مصدق شرکت می کرد. هفته ای دو سه بار من و او به طور خصوصی ملاقات می کردیم و جزئیات محرمانه داخل دستگاه حکومتی را می شنیدیم. مصدق جلسه هیئت دولت را معمولاً در منزل خود (که اتفاقاً «خانه سفید» خوانده می شد) تشکیل می داد زیرا او خود را مردی بیمار وانمود ساخته جلسات را از روی تخت خواب خود اداره می کرد. تمام تصمیمات مهم به وسیله خود او اخذ و بر دیگران تحمیل می شد. ما از این تصمیمات آنجا اطلاع حاصل می کردیم.

تقریباً در همین مواقع از خوش شانسی يك «متبع» مفید دیگر در اختیار من قرار گرفت. يك روز صبح يك کارمند عالی رتبه ایرانی وارد سفارت انگلیس شد تا اطلاعاتی در اختیار ما بگذارد. او آنچنان آشکارا آمد انگار هرگز به فکر او خطور نکرده که کار ناشایسته ای انجام می دهد. در مقام مدیر کل یکی از وزارتخانه های مهم، او بدین نتیجه رسیده بود که مصدق مشغول ویران کردن و به ورشکستگی کشانیدن ایران است. وی مانند اکثر ایرانیان، حتی ایرانیان خیلی تحصیل کرده مانند خودش، اعتقاد داشت که در ایران هیچ چیز اتفاق نمی افتد مگر به میل و اراده انگلیسیها، او يك بار به من گفت که همه در تهران فرض می کنند که ما عمداً مصدق را به حکومت رسانیده ایم چرا که پالایشگاه آبادان دیگر مقرون به صرفه نیست و ما می خواهیم از راه ملی کردن آن غرامت دریافت کنیم. او این نظر را به عنوان عقیده رایج بین مردم مطلع شهر ابراز کرد، ولی چیزی نیافزود که من بتوانم فکر کنم خودش در این باره تردیدی داشت. این شخص استدلال می کرد که چون به هر حال همه اختیارات ایران در دست انگلیسی ها است، پس

3

دکتر غلامحسین صدیقی



دکتر غلامحسین صدیقی

طیب بی مایه دردمی افزایش

از دوران فتحعلیشاه قاجار تا کنون دولت ایران
حالت تجاوز به همسایه غربی خود را نداشته و
هر چه کرده در موضع دفاعی به رعایت حقوق
داخلی و خارجی خود بوده است

عبدالحسین مفتاح فرزند داود مفتاح السلطنه با
این سخنان پریشیده و گزاف در سن نود سالگی
حقیقت را زشت می سازد

علت نشر بررسی های تاریخی

انجمن تاریخ ایران انجمنی است تحقیقی و غیر
سیاسی مرکب از تاریخدانان معاصر و محققین
مسائل تاریخی اعم از فارغ التحصیلان رشته تاریخ
دانشگاه های داخل و خارج و با دیگر نویسندگان
و علاقمندان به تاریخ ایران که در چهار جوب
فناشین جمهوری اسلامی ایران به فعالیت علمی
و تحقیقاتی خود ادامه میدهند. اعفاء انجمن
دارای گرایش سیاسی خاص نبوده و کوشش خواهند
کرد که مسائل خاص و تاریخی کشور را با تکیه
بر تاریخ معاصر مورد بررسی قرار دهند و نتیجه
کار خود را در اختیار علاقمندان بگذارند
و خوانندگان را در داوری مسائل آزاد بگذارند
در هر نشریه انجمن به یک موضوع خاص میپردازیم
و در نتیجه نشر مجله بررسیهای تاریخی نظرسنجی
نیافته و در موارد خاص منتشر شده است که
امیدواریم در آینده بصورت فصل نامه به انتشار
آن توفیق یابیم.

بقیه در صفحه هفتم

بررسی های تاریخی صفحه سوم

شرحی درباره کتاب آقای عبدالحسین مفتاح (معاون
وزارت امور خارجه در سالهای ۱۳۳۱-۱۳۳۳ ه. ش) بنام:
"خاطرات سیاسی عبدالحسین مفتاح" و فتوکپی تکه ای از آن
مربوط به تشکیل کمیسیون مرکب از رئیس سناد و قسنت
(سرتیپ تقی ریاحی) و مفتاح و نگارنده در وزارت کشور
خوانده شد. چون مرقوم فرموده اید: مایه را ... روشن
بفرمائید، به حکم:
دو چیز طیره عقل است دم فرو بستن
بوقت گفتن و گفتن بوقت خاموشی
امثال امر را معروض میدارد:

xalvat.com

مؤلف راجع به تشکیل کمیسیون در وزارت کشور نوشت
است: "حمله نظامی در عراق - روز جمعه پنجم تیرماه
(۱۳۳۲) نزدیک شش بعد از ظهر دکتر مصدق مرا احضار کرد و گفت:
بردا ساعت ۱۲ در وزارت کشور کمیسویی تشکیل خواهد شد
اگر شام باید حتماً در این کمیسیون شرکت کنید...
برسیدم که موضوع کمیسیون چیست، تا خود را آماده کنم گفت:
موضوع را در آنجا خواهید فهمید؛ گفتم: کاری است که
در وزارت خارجه در جریان است؟ باز گفت: در آنجا خواهید
فهمید؛ بفر فرورفتم و دیدم دکتر مصدق طوری بمن نگاه
میکند که میخواهد بفهماند که کاری با من ندارد و بایست
زحمت را کم کنم؛ گفتم: اشاره کوچکی هم نمیتوانید کنید
که در کمیسیون حاضر الذهن باشم؟ گفت: نه. از اطباق
ایشان ظواهر ندیدم...

اولاً به گواهی تاریخ، از سلطنت فتحعلی شاه در
رویدادهای شدید موزی و سیاسی و اقتصادی و مذهبی و قومی
و تحریکات بین المللی چه در دوره حکومت عثمانی و چه بعد
تجزیه قلمرو آن و تشکیل کشور عراق تا زمان مداری زنده
یاد دکتر مصدق، دولت ایران هیچگاه حالت حمله و تجاوز به
سرزمین همسایه غربی خود نکرد و هر چه کرده در موضع دفاعی
به رعایت تا مین حقوق داخلی و خارجی خود بوده است. پس
ادعای مؤلف در عنوان "حمله نظامی به عراق" که از نظر
سوابق، مویدی ندارد و از جهت مدارک موجود مربوط به زمان
حکومت دکتر مصدق در وزارت دفاع (سناد ارتش) و وزارت امور
خارج و وزارت کشور تا شمس نمی شود و باروش سیاسی آن
حکومت نیز که در مقام استیغای حقوق ملت ایران نبوده نه
تقدم در جنگجویی، سازگار نیست بی اساس و بدیهی البطلان
است ثانیاً "کمیسیون منظور راجع به روابط ایران و عراق
به بار تشکیل شد - نه بکار - به این شرح: نخستین جلسه
آن در وزارت کشور در تاریخ پنجشنبه ۲۱ خرداد ۱۳۳۲ و دومین
جلسه (موضوع بحث مؤلف) در تاریخ شنبه ششم تیر ۱۳۳۲ در
بقیه در صفحه چهارم

4

کمیسیون وزارت کشور بمنظور بررسی تحریکات عراق وانگلیسی ها بودند برای حمله به عراق

بقیه از صفحه سوم

xalvat.com

وزارت کشور و سومی جلسه در ساعت ۱۲ روز سه شنبه نهم تیر ۱۳۳۲ در ستاد ارتش (برای مراجعه بد پرونده گزارشهای مربوطه) با اینحال احضار مولف در روز جمعه پنجم تیر ماه نزدیک شش بعد از ظهر "از طرف دکتر مصدق تنها برای اشاره به اینکه شما باید حتما" در این کمیسیون شرکت کنید" و اصرار و در غلظت جوی (با آنکه موضوع کمیسیون به حکم سابقه معلوم بود) و پاسخ و سرخورد سردگتر مصدق همراه با کتکمان (غیرو ضروری) موضوع کمیسیون و گفتن اینکه "در آنجا خواهید فهمید" (بر خلاف شیوه معمول و معهود آداب دانی او) به دلایل مذکور از جهت تاریخ و جلسه های کمیسیون و موضوع آن و فراین دیگر زاده و هم و خیال و از اطل باطل است.

مؤلف در دنبال سخن آورده است: "از اطلاق ایشان خارج شدم و در حالی که آهسته از پله ها پائین می رفتم کارهای چند روز اخیر وزارت خارجه را از نظر میگذراندم که ببینم کدام یک از آنها با وزارت کشور میتواند ارتباط داشته باشد. تجارت و تاجا و زات مرزی عراق را با بادمی آوردم و بعد پیش خود میگویم که این کارها مسائلی است که در وزارت خارجه پیشینه دارد پس اگر بیاید کمیسیونی درباره آنها بشود باید در وزارت خارجه بیاید"

نویسنده دن کیشوت و ار خود را شهسوار می بیند و با خیال پردازی های خود و ویدادهای آشکارا ندیده می گیرد

چگونه مردی مستقیم احوال و دل بیدار با مردی خیر اندیش و پاکباز چون دکتر مصدق کار کند و پس از واقعه دردناک با سپهبد زاهدی آنچنانی هم عنان باشد

بها نه فرار داده مکرر به سفر عراق اعتراض کرده بودم از به برای سیاست دانی) ... خود را جمع و جور کرده دیدم اینجا جای عصیان نیست (۰۰۰) باید با منطق (:) نظر خود را به آنها (:) بفهمانم. گفتیم پس طرف ما انگلستان است و کانون جاسوسی و فساد هم عراق است و حالا باید به زور نیروی ارتش رفت و این کانون جاسوسی را از بین برد. گفت: بلی ...

سخنان پریشیده و گزاف علوی دروغین

دنباله صحنه سازی مؤلف که "عنقنا ندیده صورت عنقا کند همی" و نتیجه گیری او چنین است: "در نتیجه ایران میشود

سیاست دولت ملی استیفای حقوق ملت ایران بودند جنگ جویی

کزه سوم. این فکر عجیب چیست که به سردولت افتاده است؟ رئیس ستاد سخنان مرا یاد داشت میکرد. دکتر مصدق از حرفهای من سخت عصبانی شد (؟) و در حالی که دستهای خود را بلند کرده شکان میداد (؟) گفت: آقای مفتاح بالاخره باید برای مردم خوراکی روحی تهیه کنیم (:) این حرف بیش از بیست مرتبه مرا راحت کرد و پیش خود گفتم این خوراکی روحی نیست این کوله گرم است که میخواهید به خود مردم بدبخت بدهید این حرفها کدام است؟ و به دنبال این حرف (که پیش خود گفته است) از جای خود برخاستم و با فکری بی اندازه ناراحت و حالتی عصبانی خارج شدم. هوای گرم بعد از ظهر تیر ماه از یک طرف و این توطئه خطرناک عجیب از طرف دیگر برده هائی پس وحشتناک و مرگبار تر از کزه در نظر من مجسم میکرد. خود

حس مؤلف درباره "تصادفها و تاجا و زات مرزی عراق" تیزتر به حکم آگاهی حاصل از موقوف بحث در جلسه پیشین. از مطالب مآختگی است و مانند دیگر گفته های مذکور او مطرود است.

مؤلف نوشته است: "گاه فکر میکردم که اینهم کاری است مانند کار رشایات که دکتر مصدق نظر مرا خواست و مورد قبول واقع شد و در خارج وزارت خارجه هم حل شد ..."

معلوم است که امتیاز شرکت مختلط شایات ایران و شوروی در سال ۱۳۳۱ ه.ش پایان یافت و دولت ایران در تاریخ شنبه ۱۱ بهمن ۱۳۳۱ انحلال شرکت مذکور را به سادجیکف سفیر اتحاد جماهیر شوروی خبر داد و شرکت شایات برپا به سیاست موازنه هندی ملی گردید. و هر کس با فکر دکتر مصدق آشنا باشد میداند که او در کار رشایات بنا بر اصول سیاسی مختار خود بنا زدند نظر خواهی از مؤلف نبوده است - منشاء ضعف فکر مؤلف این است که او خود را بی پروا محیط علم و فضل دانسته. مرجع قبول سلونی مادونا لمرش می شود: لکن "بساطیبگه مایسه نداشت در دوزخ". سخنان مؤلف مانند اینکه "ایستادن

5

صورت عنقاکنده می

نویسنده ای است که عنقا ندیده

پیش از این گذشت که جلسه های سه گانه کمیسیون گسه در هرسه آنها مفتاح شرکت داشت و جریان کار آن از جیات متعدد منطبق با نوشته اونست، راجع به روابط ایران و عراق بوده است.

xalvat.com

عکس العمل عراق در برابر ملی شدن منابع نفت و گزارشها و تلگرافهای پرسرو صدا و تحریک آمیز سوکنسول ایران در بصره مبنی بر توطئه در عراق بر ضد ایران و گزارشهای ماسوران اطلاعاتی رکن دوم در قم شریب و کرمانشاه بر اساس اظهارات مسافران بغداد به ایران و گزارشهای استانداری استان پنجم (مرحوم دکتر عبدالحمید دهلان) و داستان محمد رشید (همه رشید) اقداماتی مستطورا گاهی به واقعیت امر واخذ تصمیم مقتضی ایجاد میگردد. ما مورث افسر شریب هوایی ایران سرهنگ غلامرضا منصور رحمانی با سمت رئیس هیئت واستکی نظامی ایران در عراقی در اواخر شهریور ۱۳۳۱ ه. ش و حرکت او به بغداد در اول مهر ۱۳۳۱ هم درنا مین این امر صورت گرفت. مطالعات و خبرگیری صحیح و بهیشتنها های سودمند و اقدامات موثر و گزارشهای سنجیده او در ماهیت امر و زمان ارتش عراق و اوضاع مناطق و واحدهای نظامی آن و موسسات نفتی عراق

آنچه که از قول نگارنده نقل کرده است و مخفی است.

و تحریک کردها و چگونگی کار و سطح تا زل اطلاع و اسرار جاسوس سفارت ایران در بغداد و سوکنسولگری بصره (رتن: سرهنگ غلامرضا منصور رحمانی، خاطرات سیاسی، بخش چهارم) اولیای امور را به چگونگی اوضاع و احوال آشنا ساخت و اقدامات متعدی نیز به دنبال همین امور و انعکاسات و بی آمدهای آن و تحریکات مراکز داخلی و خارجی و ایجاد غلطه و خرابکاریهایی در غرب و مناطق ایلی اصفهان و خوزستان و فارس پیسوده است و از این همه ارزش توتنه رویا گونه ساخته های ذهنی مولف بدید میآید. "با سخن دانسته کوی ای مرد عاقل یا خموش".

در صفحه فتوکپی مقدمه کتاب آمده است: "اگر تاریخ شصت سال اخیر دشتی بنگران باشد، مفتاح بی شبهه ازنگ درختان سنا و آریاست. از آن سیاستمدارانی که زنجیره عمرتان به سلسل با بیان تاریخ و سربلندی ایران بسته است. (از آن نک نمونه هایی که ادا و اصول در نمیآوردند، نوکرو حاج و دربان سببوند، به سرسپردگی به این و آن افتخار نمیکند و از صدر گشان هرگز رابه هر اسلوب که بزی ایران را جاری میسازد (۴) و بس: از آن مردهای مرستان..."

نگارنده پس از خواندن این جملات که از مقوله ایجاد عمل و نمودار نوعی لاف زنی از عقل و احساسات پاک است، از طرفی سرغفلت مولف از این تکلیف که:

رابعاً توصیل رسانده به راننده کفتم فوری بسد منزل برو... در بین راه پیش خود فکر میکردم که بی درنگ استعفا داده یکی دو جمدان لباس برداشته دست زن و بچه های خود را گرفته پیش از آنکه این فکرنایسته کشور را به سیسل خون و آتش بکشد ایران را ترک کرده شریک یک چنین اشتهاه عجیب غیر قابل تموری بشوم... هم سرم... با جالشی نگران دنبال هم می پرسید چه شده؟ باز دعوایت شده؟ یا کی دعوا کردی... چه افکار و خشتنای مرا احاطه نکرده بود... حالا یک دوش سرد میگیرم درست میشود."

راستی از مجموع این سخنان بریشیده و گزاف که وصفی آن برای جدت قریب است، انسان بباد ککایت علوی دروغبسن سندی می افتد و از خود می پرسد که مولف "چندین دروغ در همسم چرا" گفته است و اگر ظاهراً "با زیرس و بازخواست در کار نیست باری در این میان وجدان مردی که نودسال از عمرش گذشته بهدالحسین مفتاح فرزند داود مفتاح السلطنه درسه شنبه بیستم ربیع الاول ۱۳۱۶ ه. ق تولد یافته است) چه نقشی و مقامی دارد: آری "وقتی حقیقت زشت میشود دروغ بایسد زیبا بشود:"

صود رسیدگی به گزارشهای سرهنگ غلامرضا منصور رحمانی که با عنوان رئیس ات رسیدگی به عراق اعزام شده بود برای خوشی کردن توطئه های عراق در امر ملی شدن صنایع نفت بود.

مولف با زمینبوسد: "ساعت نزدیک پنج بعد از ظهر بود که تلغن صدا کرد هم سرم کوشی را برداشت و کثرت تلفنچی منزلت تحت وزیر است میگوید آقای نخست وزیر فرمودند فوراً بیایید با عجله لباس بپوشید خدا را یاد کردم و به راه افتادم و در راه خود را آماده میگردم که نه تنها مورد اعتراض قرار نگیرم بلکه بگویند که من با این افکار نمیتوانم بکار خود ادامه بدهم و!" زحمت نباشد باید رفیع زحمت کنم... باری به ربیع بعد خود را در گنا و خشت خواب دکتر مصدق یافتم. پرسید به ای کمیسیون وزارت کشور که گفته بودم بروید رفتید؟ گفتم: بلی گفت: خوب چه شد) از این جمله "خوب چه شد" هیست:

خونم نیامد و پس از لحظه ای مکث که جواس خود را جاسوس و اعصاب خود را کنترل کردم گفتم: مگر آقای رئیس ستاد نیامدند و گزارش نکردند؟ دکتر مهدن در حالی که بمن نگاه میکرد چند لحظه رابع سکوت گذراند بعد گفت: من باشا هم عقیده هستم و نظر شما را بمنتدبم... فقط خواستم بشناسم بگویم که من نظر شما را بمنتدبم نظر صحیحی است دیگر عرضی ندارم... خدا را سیاسی بجای آوردم که بمن توانایی این را داد که سپهت را از یک خطر نابودکننده نجات دهم... بعد بی آنکه بداشم مخاطبم کیست گفتم: اگر برای چنین روزی زنده ماندم نهایت سیاست گزار و مفتخرم:"

6

این علوی دروغین (عبدالحسین مفتاح فرزند داود مفتاح السلطنه) با این سخنان پریشیده و گزاف که وصف سبکی آن و رای تقریر است در سن نود سالگی چگونه حقیقت رازشتمی سازد تا دروغ زیبا شود

بقیه از صفحه پنجم اعمال مولف نامی و سیاستمدار سامی را جسته و گریخته نوشته و باز هم خواهند نوشت
فعل آمد محمد مردان مسرد

جمله "نو" گفت آمد، اینست درد

ساعت خورد و از طرف دیگر خیال بردا زیبا و بلند پروا زیبا تا به نادانها گار "سروانم" سوسده "دن گیشوت" افتاد که به رفتم بعد و باوایی محو اهد بنا و سر ذهنی حسود را از داستانهای دوره سپهاری که خوانده است نگار آورد حتی تا اگر خطو کنیم و دل بدریا رده، رویدادهای آشکارا را سادیده بگیریم و سد سرم که "ساستمد" جادر سواندیشه خدمت به ایران می برورده است، بار ساد نگوئیم بسیار فرقی نماند از ایدشد با حصول!

در متمدن کتابت جمنی میخوانیم: ... ده ماد با مصدق کار کرد و ده ماد ساسپید زاهدی و در هر بیت ساه عبدالحسن مفتاح باقی ماند و هر جد کرد برای ایران کرد و نه برای "این" با "آن" ...

شکفتا کوشی مولف، خود گزگ به دست نهادن میدهد انتعاف و چگونه مردمی مستخیم احوال و دل بیدار، یادست کم دن گیشوت وار و داعیه دار میشوند ده ماه در مقام معاونت وزارت امور خارجه ۱۰ صدق خیر اندیش و پاکساز همچون دکتر محمد مصدق چنانکه باید و شاید کار کنند و پس از او بعد در ده ناک، ده ماه ساسپید زاهدی آنچنانی! هم متان باشد! "جد نیست خاک را با عالم پاک"!

مولف چه بخواهد چه نخواهد، باید به دوری انسان ناپذیر تاریخ کردن نهد و تسلیم شود و بداند که "بسا باو گیهاست که رفت نمیتوان کرد". شرح حال و پیشینه اعمال مولف نامی و "ساستمد" سامی را چمنه گریخته نوشته اند و باز هم چنانکه باید خواهند نوشت، نیاز به باد آوری و وصف تمام گفت نگارنده نیست

بر "لیم" قفل است و در دل رازها
لبخمش و دل پراز آوازا

بهر آنکه "از خدا جوییم توفیق ادب"

با تجدید مراتب سیاسی و بوزیر خواهی از طولانی شدن

غلامحسین صدیقی

آرایش ز زمینی سرزبان ۲۸ مهر ۱۳۵۸

از دست داشتن در آن پشیمان نیستیم و هنوز هم معتقدیم که اقدام بسیار مبین پرستاندای بوده است.

xalvat.com

و بعد از شرحی در باره فعالیت حزب توده و اوضاع بیوفایان مالی دولت مصدق مینویسد که در آن موقع موفق شده اند طوری حدوث فاجعه بزرگی را بگیرند:

... بعد ماجرائی را حکایت میکنند که یک روز مصدق ایشان را به کمیسیونی در وزارت ... الخ اگر این قصه در غور سریال آمریکائی "بالانراز خطر" را باور کنیم، نمیدانم چطور "ایشان موفق شدند" جلوی فاجعه را بگیرند در حالیکه رئیس دولت هم مخالف فاجعه بوده است؟! خدا رحمت کند شقاسم شوکر معروف دانشی جان ناپلئون را که با کاردانی و شجاعت تاریخی خود، چند بار مملکت غیاث آباد را از چتم زخم قشون انگلیس نجات داد.

اما اگر بخواهیم، به حکم حاکم، یک قسمتی از این قصه را هر جور هست باور کنیم، آن قسمتی خواهد بود که شرح میدهند چطور دکتر مصدق ایشان را مامور رفتن به کمیسیون میکنند:

بشرمی که عین آن در مطلب استاد صدیقی نقل شده است.

بفرض صحت، وقتی رئیس دولتی معساون وزارت خارجه اش را برای شرکت در کمیسیونی - آنهم برای رسیدگی به امری که خود او با آن مخالف است - می فرستد حاضر نمیشود حتی یک کلمه اشاره به موضوع مورد بحث بکند، ذهن سالم مترجم سوختنی میشود که مصدق به خیلی از رجال بازمانده دوران شوکر مآبی، مخصوصا رجال وزارت خارجه داشتست، و

بسیار خوب، ما دوباره رخت و لباس شادی و سرور میدوزیم که این روز میمون را جشن بگیریم و یا یکویی کنیم و املا کاری نداریم که اگر کسی، ای، ای چند هزار دلار می برداخت یا کسی برداخت چه فرقی میکرد - و کاری نداریم که اگر نفوذ بروردی بس از چند هزار دلار "سی."

تنها محلی که میتوان برای این نوع احتیاط کاریها تراشید، نگرانی او از خبرچینی و گزارش فوری به سفارت انگلیس است. شهادت "وودهاس" که بعدها نوشت پیش از وصول یادداشت قطع روابط به سفارت، از موضوع اطلاع یافته اند، و همچنین منتشر خدمت شدن دو نفر از روسای درجه اول وزارت خارجه، در آن ایام، بخودی خود گویاست.

7

علت نشر بررسی های تاریخی

بقیه از صفحه سوم

با وجودیکه انجمن تاریخ ایران یک انجمن سیاسی نیست، بنا بر رسالت علمی خود وظیفه دار مانده است که ریشه های تاریخی روابط ایران و کشورهای همسایه را مورد توجه و ارزیابی قرار دهد و طبیعی است که حادثه ترین ساله روز که نجا و زعران به میهن عزیز ما ایران و ویرانیه و کشتار بیسی سابقه هم میهنان عزیز است نمی توانست از دایره توجه ما بیرون بماند.

از سوی دیگر تحقیق دیگری در دست داشته ایم در باره وقایع سیام تیر ۱۳۳۱ و کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و در عده بودیم که ارتباط تاریخی این وقایع را به صورت علمی و مستند مورد بحث و گفتگو قرار دهیم که دلائل زیر بهم آمدند و ترکیب این تحقیق را فراهم کردند.

نشر دو کتاب در سال گذشته یکی معروف به «...» مناسبت عنوان نویسنده و موضوع، و دیگری کتابی گمنام بود که به مناسبت گمنامی نویسنده توجهی بر نیا نگینت فقط توجه اعضاء انجمن را بخورد معذوف داشت.

کتاب اول نوشته بود هاوز است که دارای سوابق زیر است:

C.M. Woodhouse فرزند بکلر د انگلیسی و همسرش یک کنش انگلیسی است که از طریق آشنائی با آنتونی آیدن وزیر خارجه وقت انگلیس با چرچیل و دیگر رهبران سیاسی و نظامی کشورش روابط دوستانه و خانوادگی برقرار میکند. او تحصیلات خود را در آکسفورد به پایان برده و در سن ۲۷ سالگی در ارتش انگلیس به درجه سرهنگی میرسد.

سپس به نمایندگی پارلمان انگلیس برگزیده شده و مقامات سیاسی، علمی، مالی و دانشگاهی قابل توجهی را احراز میکند و اکنون استاد دانشگاه ساکس انگلستان است. او که از شخصتهای موثر در سیاست خارجی انگلستان به شمار میرود کتاب خود را با نام طرح چکمه منتشر کرده و مدعی است کودتای ۲۸ مرداد را او طراحی کرده و این تنها برنامه عملیاتی است که دستگاههای اطلاعاتی و سیاسی انگلیس و آمریکا مشترکاً انجام داده اند، اصل کتاب طبعاً به زبان انگلیسی است و ترجمه فارسی آن به وسیله سه گروه تهیه و منتشر شده است.

۱- طرح چکمه یا کودتای ۲۸ مرداد -

از گروه تحقیق و نشر تاریخ و فرهنگ ایران -

لندن ۱۳۶۲

xalvat.com

۲- عملیات چکمه -

به کوشش و مقدمه احمد بشیری نشر نو -

تهران ۱۳۶۴

۳- اسرار کودتای ۲۸ مرداد -

ترجمه نظام الدین دربندی نشر راهنما -

تهران ۱۳۶۴

که نویسنده در این کتاب ضمن شرح ماجرای ۲۸ مرداد از وجود چهار نفر جاسوس و یک معاون و بربر در این برنامه یاد میکند که اخبار حکومت ملی را به ماوران جاسوس بغارت انگلیس گزارش میکرده است.

ترجمه این مطلب را عینا از چاپ نشر راهنما و ترجمه آقای نظام دربندی در صفحه دوم این نشریه آورده ایم.

این کنکاش بسیار طبیعی می نمود که بر همه ایرانیان وطن پرست عموماً و محققان تاریخ عموماً درمقد شناسائی این جاسوسان بر آید و بخواهند که اسن فروما یگان را بشناسند که بالاخره تلویزیون انگلستان در سال گذشته در ضمن برنامه مستندی شام پایان امپراطوری انگلیس در ایران برادران رشیدیان را با نام دو نفر از جاسوسان انگلیس معرفی کرده و بر مطلبی که بر عهده محققان آشکار شده بود صبر نداشتند.

در نتیجه توجه علاتمندان به شناسائی دو جاسوس دیگر و آن جاسوس معاون منتقل شد که در هیات دولت مصدق نیز شرکت میکرده.

بحث محققان خارج کشور در این مورد بسیار بالا گرفت و هر یک از مطلعان در باره آن مطالبی اظهار داشتند که تا حدی برده از روی کسار برگرفت و کار ما را آسانتر ساخت.

بنا علی هذا در این نثرید کوشش کردیم برای حفظ بیطرفی همه نظرات منتشره در این باره را گردآوری کنیم بدون آنکه مواضع سیاسی آن نشریات مورد نظرمان باشد و در نتیجه احساس کنیم در این مورد منتشر شد و به دست رسیده عبارتند از:

۱- مقاله از روزنامه گنجان پورخ گسسه -

اردیبهشت ۱۳۶۶ - علم آقای محمد ترکمان -

بقیه در صفحه دوازدهم

بررسی های تاریخی صفحه هفتم

حقوق و بیرونی و نشر ایران تحقیق در خارج کشور بطور انحصاری متعلق به طرفداران این نشریه است

یکی از همکاران انجمن تاریخ در ارتباط با ازدواج آقای غلامحسین مفتاح با همسران انگلیسی اولشان اطلاع میدهد در آن هنگام که ایشان با موریت کویت را داشته اند پاکستان و هندوستان جزو مستعمرات انگلیس قرار داده شده و تمام فعالیت‌های سیاسی در آن حوزه زیر نظرنا بیست السلطنه انجام می‌شده است. نمونه‌های زنده‌ای در تاریخ ایران مشاهده کرده‌ایم که مامسوران منتسب به انگلیسها از طریق استخدام در کلونی‌های انگلیسی وارد کار وزارت امور خارجه شده‌اند نمونه بارز آن استخدام عباس آرام است که قبلاً از ورود به وزارت خارجه گروهیان پلیس جنوب انگلیسها بوده و سپس تا عنوان وزیر امور خارجه در ایران نیز پیشرفت میکند می‌گویند همسر اول آقای مفتاح نیز از عوامل اطلاعاتی انگلستان در هند بوده است و حسب الما موریه او را به ازدواج آقای مفتاح در میآوردند که در بقیه در صفحه دوازدهم

ضرورت بازنگری نقش انگلستان در ایران قسمت نوزدهم

معرفی برخی از چهره‌های وابسته به انگلیس در تهران



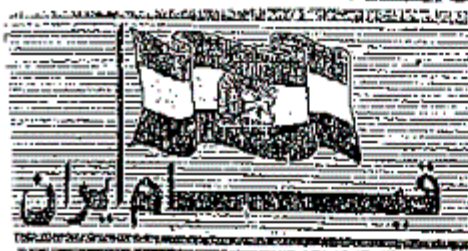
مفتاح

xalvat.com

پنجم محمدترکان

کیهان

* عبدالحسین مفتاح (معاون وزارت امور خارجه قبل و بعد از کودتای ۲۸ مرداد)



آرایش رزمی سره‌اران ۲۸ مرداد

یکی دیگر از این سری سربازان مجاهد نجات وطن، آقای عبدالحسین مفتاح معاون سابق وزارت خار و سفیر کبیر سابق است، که ایشان به قصد روشن کردن رموز کودتای ۲۸ مرداد پا به میدان گذاشته‌اند. آقای مفتاح می‌نویسند:

چنانکه به دگتر والد‌هایم نوشتم، شخصاً در وجود آوردن ۲۸ مرداد دستی داشتم و به هیچ‌وجه بقیه در صفحه هشتم

عبدالحسین مفتاح (معاون وزارت امور خارجه قبل و بعد از کودتای ۲۸ مرداد)

عبدالحسین مفتاح عضو لژ فراماسونی "مولوی" (۱) از حلقات شبکه فراماسونی وابسته به انگلیس، و از اعضای وزارت امور خارجه - نوزند میرزا داود خان مفتاح - السلطنه (۲) که روزگاری وزیر مختار اول ایران در هندوستان، و دورانی نیز وزیر مختار اول ایران در لندن بوده است، می‌باشد. عبدالحسین مفتاح دارای همسری انگلیسی بوده و می‌باشد (۳) نامبرده در اوائل نهضت ملی شدن صنعت نفت سمت ژنرال کنسول ایران در هامبورگ را عهده‌دار بوده است.

مفتاح از سوی شبکه مذکور ماموریت می‌یابد تا با اظهاراتی در جانب‌داری از نهضت ضد استعماری مردم ایران مقدمات نزدیکی و نفوذ به داخل کادر رهبری نهضت را پایه‌ریزی کند.

نامبرده در خرداد ماه ۱۳۳۵ در یک کنفرانس مطبوعاتی در هامبورگ از روش بعضی از روزنامه‌های آلمانی درباره ملی شدن نفت شدت انتقاد کرده در همین محاسبه مفتاح برای فریب مسئولین به دولت انگلیس تاخیر و ازبیکه: "انگلیس از مهمان نوازی و حسن ظن ایرانیان در شرف چند سال اخیر سوء استفاده نموده ایران تا سب کرد" (۴) افزون بر محاسبه فوق، مطالبی نیز در دفاع از حقانیت مبارزات ملت ایران در هامبورگ منتشر

بقیه در صفحه نهم

در شماره آینده بررسی‌های تاریخی باز هم به بررسی عوامل دولت انگلستان و حکومت ملی و کارگزاران عراقی در جنگ فعلی خواهیم پرداخت.

آرایش رزمی

بقیه از صفحه هشتم

آی . ای" بود، چطور غیرمعمول فتوای تحریم فرماندوم از طرف همین آقای بیروجریدی ، آن تعدادی سابقه از مردم در رای دادن شرکت کردند و با آن اکثریت به انحلال مجلس رای دادند - و کاری نداریم که تاریخ نویسی بی غرضی که میخواهد این روز را به عنوان یک روز میمون در تاریخ ایران ثبت کند ، ممکن است قبل از ثبت بیبرسد که : چه نداشتن روز میمون به بف آخوند قم به شب سیاه نامیمون تبدیل شد و اگر این دارو اینقدر معجزه گر و عیبی دم بود، چرا مریض مرد؟ و چرا بنده و ایشان - بخصوص ایشان که میفرمایند ۸۲ سال دارند - امروز باید آواره این شهر و آن شهر باشیم .

مفصل ترین شرح واقعه یوسیه دو نفر از ما مورسین اجرای کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ یکی "وودهاس" ماسور اینتلیجنت سرویس و دیگری "گرمیت روزولت" ، ماسور "سی.آی.ای" بیان شده است که هر دو به اتفاق تاکید میکنند که عوامل ایرانی آنها ، دوسرادر در خدمت سفارت انگلیس و دو برادر در خدمت سفارت آمریکا بوده اند، باخافه یکی از رجال مملکت با نام مستعار "عمر" که خبرهای جلسات هیئت دولت را برای آنها میبرده است ، اساسی یک جفت از برادران - رشیدیان - فاش شده است ولی جفت دیگر نوادران و عمر هنوز در برده ابهام مانده اند . اگر آقای مفتاح یکی از آنها هستند ، منطبق اغتیار کردن به ۲۸ مرداد از یک طرف و انصاف از طرف دیگر، حکم میکند که استخوان لای زخم نگذارند و خود را معرفی کنند. در غیر این صورت حق یکی از دو گروه را ضایع میکنند. یا حق عمر و برادران و یا حق سرداران ۲۸ مرداد و آقایان شیمان جعفری - طیب حاجی رفائی - اکبر گیگیله - حسین رمضان بیخی - و بانوان ملکه اعتقادی سپهری آژدان قزی - صفری علی آبادی (ایران نول) ، که هیچکدام روا نیست حقتان ناحق شود .

جاسوس

۱- پس از کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ کشف شد که یکی از بزرگترین جاسوسیان دربار دولت های انگلیس و آمریکا که به اسرار در سطح بالای جبهه ملی و سیاست خارجی دکتر مصدق دسترسی داشت ، شخص غلامحسین مفتاح معاون سیاسی دکتر فاطمی وزیر امور خارجه بوده که در تمام دوران همکاری ، تمامی تصمیمات و مذاکرات و اسناد و مدارک محرمانه را در اختیار دربار و مخالفان جبهه ملی می گذاشت ، بهمین علت و خیانت ها بود که پس از ۲۸ مرداد ۳۲ به مقامات بالاتری رسید و ادعای خود را گرفت . نقل از کتاب زندگی سیاسی حسین فاطمی نوشته دکتر نصرالله شهبته



تاریخ ۱۳۰۵/۱۱/۱۳
شماره ۱۳۱
پرست
میرداد

در تاریخ ۲۲/۱۱/۳۲ طویل مشایخه شماره ۲۵۱۲/م ۱۱۶ آن وزارت مستند بکارش میرسانسی نارس و مراعات استناد اری ملتمس موافقت بعمل آید که آقای ملک نورمان شارب کنش انگلیسی اخراج شود بعد از طرف وزارت دفاع ملی نیز مستند بکارش لشکر این موضوع تالیف شده و پس نامه شماره ۲۲/۱۱/۳۲ آن وزارت ابراج کرده بدو گن معلوم نیست چه علت وزارت است ابراج چه که در حالتی در این باب در ابراجی در این باب داده و اظهار نظر نموده است که از ابراج او فرود اری شود لازمی است بلورن نتیجه شده ای را که در مورد ابراج نامبرده انجام داده ایست با اطلاع اید صاحب پرسش و همچنین اگر خود را تمسب به دکتر گن ابراج بنامستان مرسلون نیز چنانکه در ضمن نامه شماره ۲۲/۱۱/۳۲ شماره شده است اطلاع دهید .

اداره اسناد
افرام شو
۲۲/۵/۱۳

بقیه از صفحه هشتم

دکتر مصدق در اعتراض به اقدام جاسوسین مفتاح کسره

اعمال فوق و برخی دیگر از برخوردهای متناقضه مفتاح در ایام معالجات شهید دکتر سید حسین فاطمی در ها مبورک زمینه ساز فریب دکتر فاطمی از نامبرده گردیده پس از آنکه در تاریخ ۲۷ مهر ۳۲ دکتر فاطمی به سمت وزیر امور خارجه انتخاب گردید ، پست معاونت سیاسی وزارت خارجه را به غلامحسین مفتاح واگذار کرد .

نامبرده در این پست به عنوان یکی از بزرگترین جاسوسان انگلیسی مشغول به کار گردید ، و تا روز ۲۸ مرداد ۳۲ کلیه مذاکرات و تصمیمات و اسناد و اسداوک وزارت به و سیاست خارجی کشور را در اختیار اربابان خود قرار میداد . مفتاح پس از کودتا به علت مبارزه با آرزوها و آمال بر حق مردم کشور و همسوئی با اهداف و مطامع سلطه گران غربی و جاسوسی برای آنان ، سداوج " ترقی" را در نظام گذشته سرعت پیمود و پادشاهی نیز در این رابطه دریافت داشت .

برای آشنایی بیشتر با عملکرد این مهره نفوذی در اس یکی از پستهای مهم کشور تا مقطع کودتا علیه مصالح ملت ایران و در جهت حفظ سلطه بیگانگان و جاسوسان خارجی بر کشور ، به نمونه ای از اعمال زیانبار وی در ذیل اشاره میشود .

قبل از توضیح مورد مزبور ، با توجه به آمدن نام حسین علاء در مطالب مطروحه در ذیل ، لازم به ذکر است که مسیر علاء خود نیز فراماسون ، و از " لزائده آل بیها نی" صاحب عالیترین عنوان یعنی مقام فراماسونری

10

بقیه از صفحه نهم

"مادام‌العمر" بوده است (۵) ه

پس از اخراج کارمندان انگلیسی شرکت سابق نفت که حاضر به همکاری با دولت ایران به عنوان مستخدمین ایران نشدند، اخراج عوامل مشکوک، تعطیل کنسولگریها بانک‌های و سفارت انگلیس و اخراج عوامل نامطلوب و جاسوس انگلیس در ایران، دولت در صدد اخراج افرادی که سالهاست تحت پوشش "کیش" در خدمت اهداف استعماری جاسوسی انگلیس بودند.

در همین رابطه مقدمات اخراج آقای رودلف نرمان شارب "کیش" انگلیسی‌مقیم شیراز از سوی دولت فراهم گردیده بود، که مفتاح با سوء استفاده از عدم حضور وزیر خارجه، در کشور در عوض ارسال پاسخ صریح روشن و مستدل به سفارت سویس - حافظ منافع انگلستان در ایران، وافتتاح تارپ، نامه ذیل را با اظهار نظرهایی در جهت دفاع از تارپ جاسوس، و تشکیک از اعمال انجام یافته برای نخست وزیر ارسال میدارد. ه

xalvat.com

اداره سوم سیاسی - محرمانه

وزارت امور خارجه

جناب آقای نخست وزیر

با عطف به نامه شماره ۹۹۴۴ مورخ ۲۳/۴/۱۳۲۲ دفتر نخست‌وزیری صادره بوزارت کشور راجع به اخراج آقای رودلف نرمان شارب کیش انگلیسی مقیم شیراز با استحضار میرساند سفارت سویس حافظ منافع انگلستان در ایسراو من بابت ادعای به وزارت خارجه اشعار میدارد که اشخاصی که در جرایم نسبت به این شخص داده شده است و مشارالیه را متهم به فعالیت‌های مخرب علیه دولت ایران قلمداد کرده‌اند به کلی عاری از حقیقت میباشد و این شخص در مدت اقامت ۲۹ ساله خود در ایران جز خدمت به مردم‌کاری انجام نداده و همیشه خود را موظف داشته است که بخرات کشوری را که به او این مهمان نوازی را اعطا نموده است به حداکمل مراعات نماید.

سفارت نامبرده با اتمام مراتب فوقی تقاضا نموده است در حکم اخراج کیش مزبور تجدید نظر شود. همینجا جناب آقای علاء هم که ازین موضوع اطلاع حاصل کرده‌اند شفاها "اظهار داشته‌اند این شخص را از زمانیکه در انگلستان با ایشان در یک مدرسه مشغول تحصیل بوده‌اند میشناسد و با آشنایی که به اخلاق و رفتار نامبرده دارند میتوانند اطمینان بدهند که اتهامات وارده به او عاری از حقیقت میباشد و تقاضا دارند در صورتیکه مدارک و دلایل مثبت قانع کننده بر علیه کیش مزبور موجود نیست در حکم اخراج او تجدید نظری بشود. ه

با ارسال رونوشت یادداشت سفارت سویس حافظ منافع انگلستان ممتنی است مقرر فرمایند موضوع را مورد بررسی قرار داده و از هر پاسخی که به سفارت مزبور

باید داده شود وزارت امور خارجه را آگاه سازنده xalvat.com از طرف وزیر امور خارجه رونوشت نامه سالانه ضمیمه رونوشت یادداشت سفارت سویس در پاسخ نامه شماره ۱۵-۲۷ مورخ ۲۳/۴/۱۳۲۲ جهت استحضار به وزارت کشور ارسال و ضمناً "متذکر میشود که این موضوع قبل از اینکه از طرف وزارت کشور وزارت امور خارجه اطلاع داده شود در اغلب روزنامه‌ها انتشار داده شده بود و سفارت سویس حافظ منافع انگلستان هم در اثر انتشار این خبر در روزنامه‌ها چندین بار به وزارت امور خارجه مراجعه نمود که البته در حساب اظهار بی اطلاعی شده بنظر وزارت امور خارجه انتشار این قبیل اخبار را مخصوصاً "که از طرف آن وزارت بصورت محرمانه بوزارت امور خارجه ارسال میشود" قبل از اینکه مقامات مربوطه از آن اطلاع حاصل نموده و اقدام مقتضی بنمایند به هیچوجه جایز نمیباشد، و نایسته است که از طرف آن وزارت به ادارات مربوطه تاکیدا " دستور داد شود که اسن قبیل اخبار را قبل از انجام اقدامات لازم در دسترس مطبوعات نگذارند.

از شرف وزیر امور خارجه: امضاء مفتاح

دکتر محمد بیاز مشاهده نامه فوق، با ارسال یادداشتی به وزارت کشور در تاریخ ۲۲/۵/۱۳۲۲ برای تاکیید و تکرار اخراج رودلف نرمان شارب انگلیسی، با لحنی شدید می‌افزاید: "اکنون معلوم نیست به چه علت وزارت امور خارجه که دخالتی در این باب ندارد گزارشی در این باب داده و اظهار نظر نموده است که از اخبار او خودداری شود" متن کامل نامه بشرح ذیل در پی می‌آید:

تاریخ ۱۲/۵/۱۳۲۲

شماره ۱۲۱۳

نخست وزیر

محرمانه

وزارت کشور

در تاریخ ۲۲/۴/۲۲ طبق پیشنهاد شماره ۵۵۹۵ رم ۵۶۹۶ آن وزارت مستند به گزارش شهرتانی فارس و موافقت استانداری هفتم موافقت به عمل آمد که آقای رودلف نرمان شارب کیش انگلیسی اخراج شود بعداً "از طرف وزارت دفاع ملی نیز مستند به گزارش لشکر ۶ این موضوع تاکیید شد و ضمن نامه شماره ۴۱۰۷۲-۲۳/۴/۲۲ به آن وزارت ابلاغ گردید اکنون معلوم نیست به چه علت وزارت امور خارجه که دخالتی در این باب ندارد گزارشی در این باب داده و اظهار نظر نموده است که از اخراج او خودداری شود لازم است بفوریت نتیجه اقدامی را که در مورد اخراج نامبرده انجام داده‌اید به اطلاع اینجانب برسانید و همچنین نظر خود را نسبت به دکتر کزن جراح بیمارستان

بقیه در صفحه یازدهم

بررسی های تاریخی صفحه دهم

12 همسران مفتاح

بقیه از صفحه هشتم

واقعدای به طلاکت میرسد و سازهم به تومیسه
سبرغ آقای مفتاح مؤلف به ازدواج با خواهرزین
خود میبود.

صعبان تصور نیز معقول بنظر میرسد زیرا
نعمتوان بذیرفت که در ۶۰ سال پیش در هندوستان
آزور بک خانواده انگلیسی شروتمیز و شسته رفته
که دستی در کار جاسوسی و مسائل اطلاعاتی نداشت
مانند اقامت گرفته باشند و اگر به این نکته توجه
شود که بر مبنای قوانین و مقررات موضوعه حتی در

وزارت امور خارجه شاه سابق نیز دیپلماتهایی
ایرانی به لحاظ حفظ اسرار و منافع ملی مجاز به
داشتن همسران غیرایرانی (بیگانه) نبودند معلوم
میگردد که دولت امپراطوری مفتح انگلیستان و
هندوستان و ماوراء بحار از هفتاد سال پیش
خدمتگزاران خود را تربیت و زیر کنترل ما موران
خود بنام حصر قرار داده است تا به موقع مقتضی
در جلد دولت در کابینه ملی نفوذ کرده و اخبار
دولت مصدق را به اربابان خود برسانند.

بقیه از صفحه ۷

انجمن تاریخ و علت نشر بررسی های تاریخی

xalvat.com

عنوان بازنکری سیاست انگلستان.

۱- مطلب کوتاه بی ازجبهه ملیون ایران چاپ لندن که آقای سرهنگ غلامرضا نجاشی محقق ارزشمند معاصر مدعی است
که این "عمر یعنی جاسوس انگلیسی در دولت مصدق آقای غلامحسین مفتاح معاصر و وقت وزارت امور خارجه است.

۲- سوسین مطلب از روزنامه قیام ایران ارگان نهضت مفاومت ملی دکتر شاپور بختیار است که بنظر میرسد بقلم
آقای ایرج پزشکزا (نویسنده زمان معروف دانی جان ناپلئون و مدیر بین روزنامه) نوشته شده است. و ما همه
آنها را در این جزوه گرد آورده ایم. بنظر ما مطلب قیام ایران از دو جهت قابل تأمل مینماید.

الف - همقطاری نویسنده مطلب با متهم در وزارت امور خارجه.
ب - موقعیت فعلی او در دستگیر بختیار و توجه به اینکه تشبیه آنها مفتاح رئیس فعلی و دکتر بختیار را
از مظان این اتهام خارج میکنند.

و بالاخره دو مطلب از آقای دکتر نصرالله شیفته نویسنده معروف است که یکی چاپی است و منقول از کتاب زندگینامه
سیاسی دکتر حسین قاضی و دیگری دستخطی که بر حسب تقاضای دبیر گروه ما مرقوم داشته اند.

این نکته نیز قابل توجه است که با وجودیکه تمامی این مطالب انتشار یافته و منضم آن که با سنی قریب نودسال در
قید حیات بوده و از آن آگاهی یافته است هیچگونه دفاعی از خود بعمل نیاورده. آنچه ما کوشش کردیم تنها دفاعی
از نامبرده ماست و نگردیم بلکه متوجه شدیم که تا مبرده با نشر کتابی زیر عنوان (راستی بیرنگ است) و مقالاتی در
کتابان سلطنت طلبان نه تنها نقش وکیل مدافع ایرانیان انگلیسی را بعهده گرفته بلکه در آرزوی جنگ عراق و ایران هم
درصد بیرونده سازی بسود عراق و انگلستان برآمده و مدعی شده است که دولت ملی دکتر مصدق میخواسته است برای
تهیه خوراک و ایجاد سرگرمی برای مردم به کشورهای همسایه عراق حمله کند و ایشان جلوی این توطئه را گرفته است و حالا
جمهوری اسلامی آن طرح را اجرا کرده است.

از آنجا که خوشبختانه اسناد اساسی تدحساب آقای دکتر غلامحسین صدیقی تا بیست و نهم و وزیر کشور کابینه ملی
بسلامت در تهران هستند بحضور ایشان رسیدیم و از ایشان تقاضا کردیم در باره این مطالب نظرات خود را اظهار دارند
عظیم نامه گشتا در روشی همکاران انجمن تاریخ را پذیرفته و توضیح دادند که در چند ماه گذشته حسب تقاضای ملیون شرحی
در این باره نوشته و فرستاده اند و ما مرند نسخه ای از آنها به انجمن تاریخ بسیار شد.

اینک ما به کمال خوشوقتی است که مطلب اساسی این جزوه کوچک به قلم اساتید دکتر غلامحسین صدیقی نوشته شده و بسا
ادب و ظرافتی که از خاص این بزرگمرد تاریخ معاصر است به با طیل آقای مفتاح پاسخ داده شده است.
با بد توجه داشت که این اولین نوشته آقای دکتر صدیقی پس از بیست و هفتم مرداد ۱۳۳۲ است که افتخار نشر آن به
انجمن تاریخ ایران داده شده است. این بود شرح مختصری از علت نشر این جزوه.
امیدواریم که بزودی دیگر تحقیقات ما در زمینه مسائل اساسی تاریخ معاصر به پژوهندگان و علاقمندان به تاریخ
اهمیت پیدا کرد.

دبیر انجمن - شریک پاسدار
تهران

بررسی های تاریخی

صفحه دوازدهم

مهر ۱۳۶۶

تقاضای مساعدت از همکاران و علاقمندان به نهضت ملی
نحوه پرداخت بهای نشریه

نظر باینکه در نظر داریم این نشریه را اقل بصورت فعلی منتشر
کنیم از همکارانی که نسخ بررسی های تاریخی را دریافت کرده اند
و کمسانی که قصد کمک به این نشریه را دارند توقع داریم که
بهای نشریه را به آدرس صفحه اول بنا میجستاریم و با
ارسال دارند.